

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال نهم، شماره‌ی سی‌وسوم، پاییز ۱۳۹۶، صص ۱-۲۶

شاخصه‌های هویت عربی در نظام فکری هشام کلبی بر پایه‌ی انساب‌نگاشته‌های وی (جمهرة النسب و نسب معد و یمن الکبیر)

زینب امیدیان^۱

چکیده

دانش «نسب‌شناسی» از شاخه‌های علم تاریخ و شعبه‌ای از تاریخ‌نگاری جاهلی است که در دوره اسلامی نیز رشد سریع یافته است. در این میان هشام کلبی (د. ۲۰۴ ق.) به‌عنوان نخستین مؤلف و تدوینگر انساب، سهم بسزایی در شکل‌گیری و شکوفایی این علم دارد که دو متن مهم یعنی جمهرة النسب و نسب المعد و الیمن الکبیر از او در این زمینه بر جای مانده است که ویژگی بارز آن‌ها پرداختن به نسب تمام قبایل عرب است. با وجود این، هنوز این انساب‌نگاشته‌های او چنان که بایسته است مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. از این رو، مسئله‌ی مقاله حاضر مطالعه و تحلیل انساب‌نوشته‌های ابن کلبی است تا از طریق آن دریابد چرا در دوره‌ی نخست عباسی وی با فرارفتن از نسب‌نگاری چند قبیله‌ی محدود به عنوان سنت غالب به تولید متون پیش‌گفته دست یازید. رویکرد اتخاذشده در این تحلیل رویکرد معناکاوی است که در آن گفت‌وگوی میان متن انساب‌نوشته‌ها با نویسنده (هشام کلبی) و بافت اندیشه‌ای و فرهنگی زمانه‌ی متن بررسی و تبیین می‌شوند. نتایج این واکاوی نشان می‌دهد این کلبی متأثر از ضرورت احساس نیاز قومیت عرب به هویت‌سازی دست به تولید انساب‌نوشته‌های مذکور زد. او ضمن بازنمایی انساب قوم عرب، با به‌کارگیری عناصری چون گذشته مشترک تاریخی، پیوندهای مشترک اعتقادی و برگزیده شدن پیامبری از دل قوم عرب و همچنین سرزمین مشترک یک هویت عربی-اسلامی غرورآفرین برای قوم عرب در متون خود پدید آورد.

واژه‌های کلیدی: هشام کلبی، تحلیل معنا، انساب‌نگاشته‌ها، هویت

۱. استادیار گروه تاریخ تشیع، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری.
(z.omidiyan@hsu.ac.ir)

تاریخ ارسال: ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۹

مقدمه

هشام کلبی (د. ۲۰۴ ق.). یکی از شاخص‌ترین مورخان مکتب عراق است که هم در مراحل شکل‌گیری تاریخ‌نگاری و هم تکامل شیوه‌های آن نقش برجسته‌ای داشته است. او توانست با عرضه‌ی آثاری درخشان و مهم در زمینه‌های انساب، تاریخ اجتماعی-فرهنگی عرب، تاریخ جاهلیت، تاریخ اسلام، وفود، فتوح، مقاتل، تاریخ شهرها، تاریخ ایران و یمن گام‌های بلندی در تاریخ‌نگاری اسلامی بردارد. در این میان از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌نگاری وی نسب‌نگاری است. او اصول و قواعد نسب‌نگاری را تنظیم کرد، و نوشته‌های او تبدیل به منابع اصلی مؤلفان بعدی شد. همه‌ی نسب‌نگاران و پژوهندگان بعدی نسب از اصول او تأثیر پذیرفتند. از سوی دیگر، نگاهی گذرا به تاریخ‌نگارش انساب نشان می‌دهد که مطالعات انساب در قرن اول و ابتدای قرن دوم تنها محدود به یک یا چند قبیله بود. حال آن که پرداختن کلبی به تبار تمام قبایل عربی مایه شگفتی است. بر این اساس، در این نوشته سعی می‌شود تا با بررسی مؤلفه‌ها و شاخصه‌های محوری نسب‌نگاشته‌های کلبی، به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که چرا کلبی دست به نوشتن نسب‌نگاشته‌ها زد؟ مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخصه‌های انساب‌نگاشته‌های وی چه بوده است؟ در میان شیوه‌های مختلف موجود برای شناخت ویژگی‌های تاریخ‌نگاری یک اثر و فهم چگونگی و چرایی تولید آن، مقاله حاضر از رویکرد معناکاوی استفاده می‌کند. بر پایه‌ی این رویکرد، هیچ متنی در خلأ تولید نمی‌شود. هر متنی در شرایط زمانی و مکانی خاصی پدید می‌آید که به آن بافت گفته می‌شود.^۱ بدین خاطر فهم رابطه میان متن با نویسنده و بافت دربرگیرنده آن می‌تواند به فهم بهتر شیوه‌ی تاریخ‌نگاری یک متن تاریخی کمک کند. از این رو رویکرد این نوشتار یافتن نحوه گفت‌وگوشنود این عناصر در بازنمایی روایت انساب ابن کلبی است. این یافته در عین حال معنا و هدف تولید متن را در نسبت میان حیث التفاتی مؤلف و زیست‌جهان سیاسی-اندیشه‌ای وی آشکار می‌کند. بر این اساس، نقطه عزیمت پژوهش حاضر تحلیل متن است.^۲ از طرف دیگر، چون هر متنی در شرایط زمانی

۱. فرهاد ساسانی، (۱۳۸۹)، معناکاوی، تهران: علم، ص. ۱۹۷، ۱۸۹، ۲۱۶.

۲. همان، ص. ۱۹۷، ۱۸۹، ۲۱۶.

شاخصه‌های هویت عربی در نظام فکری هشام کلبی بر پایه انساب‌نگاشته‌های وی | ۳

و مکانی خاصی به نگارش درمی‌آید، در بافت متن با تأثیر فرهنگ، تاریخ و نیز اجتماع معاصر تولیدکننده متن روبه‌رو می‌شویم که در پیش‌دانسته‌ها و پیش‌تجربه‌های نویسنده متجلی می‌شود. به عبارت دیگر، هر کس در جامعه یا فرهنگی خاص پرورش یافته است که این پرورش‌یافتگی خاص در فهم او بر متن زبانی، هنری، ادبی و یا هر نوع متن دیگر تأثیر می‌گذارد.^۱ تولیدکننده معنا (نویسنده)، با تأثیرپذیری از بافت و شرایط سیاسی-فرهنگی زمانه‌اش، نحوه تربیت، و در نتیجه پیش‌فهم‌های ذهنی‌اش از میان متون گوناگونی که وجود دارد تنها با متون خاصی ارتباط برقرار می‌کند و به تولید روایت یا متن می‌پردازد.^۲ با توجه به مقدمات بالا، در این مطالعه تلاش می‌کنیم، پس از تحلیل عناصر درون‌زبانی متن^۳، گفت‌و شنود آن را با تأثیرات شخص نویسنده و بافت کلان فرهنگی-اجتماعی‌ای که به آن متن چارچوب داده است بررسی و فهم نماییم. هرچند عناصر بافت و سازنده معنا، فرازبانی و همچون کلافی درهم‌پیچیده هستند، اما مقوله‌بندی آن‌ها برای فراهم کردن امکان تحلیل ضروری است. در این بررسی، با اتکا به این مبانی نظری، شیوه‌ی بازنمایی ابن کلبی از انساب عرب را، به عنوان نخستین انساب‌نگاشته‌های عمومی عرب، مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

تحقیقاتی که به صورت مستقل درباره ابن کلبی انجام شده محدود و انگشت‌شمار است.^۴ گرچه مصححان و مترجمان آثار تاریخی و نسب‌نگاری چندین مقدمه‌ی عالمانه

۱. محمد توکل، (۱۳۸۷)، «جامعه‌شناسی معرفت و فرهنگ: تنوع یا تغییر نگرش از کلاسیک به جدید»، نامه علوم اجتماعی، ش. ۳۳، ص. ۲-۳.

۲. معناکاو، ص. ۱۱۹.

۳. توجه به چگونگی کاربست واژه‌ها و جمله‌ها و نحوه چیدمان و تکرار آن‌ها در متن انساب‌نگاشته‌ها.
۴. برای نمونه در کتاب تبیین نقش هشام کلبی در تمدن اسلامی، نویسندگان تنها به ابعاد صوری انساب‌نگاشته‌ها پرداخته‌اند و به چرایی نگارش این کتاب‌ها توجه نکرده‌اند. (اصغر منتظرالقائم، وحید سعیدی، (۱۳۹۳)، تبیین نقش هشام کلبی در تمدن اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص. ۹۵-۱۰۰)؛ و نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقش شیعیان در نسب‌نگاری عمومی»، نویسندگان در میان دیگر انساب‌نگاران تنها به صورت گذرا به زندگی‌نامه، شیوه تدوین و محتوای انساب‌نگاشته‌های ابن کلبی پرداخته‌اند و به چرایی و هدف نگارش این متون توجه نشده است. (نعمت‌الله صفری فروشانی، سید محمدرضا عالمی، (۱۳۹۰)، «نقش شیعیان در نسب‌نگاری عمومی»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، س. ۴۴، ش. ۲، ص. ۱۰۳-۱۲۱)

درباره ابن کلبی به رشته تحریر درآورده‌اند، اما همگی این آثار بر پایه رویکرد سنتی نقد متون، تنها به توصیفات کلی درباره‌ی زندگی، فهرست آثار کلبی، ابعاد صوری و سبک نگارش آن‌ها پرداخته‌اند.^۱ به زندگی و عمل تاریخ‌نویسی هشام کلبی عمدتاً در لابلای تحقیقات راجع به تاریخ شکل‌گیری تاریخ‌نگاری مسلمانان اشاراتی محدود شده است.^۲ تنها پژوهشی که به تاریخ‌نگاری وی از زاویه‌ای جدید نگریسته مقاله‌ی «امحای بت پرستی و بازآفرینی غرور قومی عرب بر پایه‌ی کتاب الاصنام»^۳ است که نویسندگان شیوه‌ی تدوین ابن کلبی از تاریخ بت و بت پرستی عرب پیش از اسلام را در کتاب الاصنام بررسی می‌کنند. پس می‌توان گفت هیچ پژوهشی به انساب‌نگاشته‌های کلبی از منظر معناکاوی نگریسته و آن‌ها را مورد تحلیل قرار نداده است.

همان گونه که دیده می‌شود، به رغم اهمیت آثار وی، پژوهش مستقلی در باب تاریخ‌نگاری او صورت نگرفته است. از این رو این مقاله به بررسی و تحلیل انساب‌نوشته‌های برجای مانده از وی یعنی *جمهره النسب و نسب معد و الیمن الکبیر* اختصاص می‌یابد. در این بررسی، با اتکا به رویکرد پژوهش، سعی می‌شود که شیوه بازنمایی ابن کلبی از انساب عرب را تبیین کنیم. همان گونه که پیش‌تر ذکر شد، فهم تاریخ‌نگاری متن انساب‌نوشته‌ها از طریق نحوه گفت‌وگوشنود نویسنده و بافت کلان و تحلیل عناصر درون‌زبانی متن امکان‌پذیر است. از این رو، پس از بررسی روش حاکم بر انساب‌نگاشته‌ها و نحوه چینش و سازمان‌دهی آن‌ها، به بیان بافت فکری و فرهنگی زمانه‌ی ابن کلبی می‌پردازیم تا مسئله^۴ و دغدغه‌ی مؤلف شناسایی شود و در ادامه شاخصه‌های هویت عربی را در متون یادشده کشف می‌کنیم. به سخن دیگر، تلاش می‌شود تا هدف از

۱. هشام بن محمد کلبی، (۱۳۸۵)، کتاب الاصنام «تنکیس الاصنام»: تاریخ پرستش عرب پیش از اسلام، ترجمه محمدرضا جلالی نائینی، به تحقیق احمد زکی پاشا، تهران: سخن؛ ابی منذر هشام بن محمد الکلبی، (۱۹۸۸)، *نسب معد و الیمن*، تحقیق دکتر ناجی حسن، بیروت: عالم‌الکتاب.

۲. برای نمونه نک. رسول جعفریان، (۱۳۹۳)، *منابع تاریخ اسلام*، تهران: علم؛ عبدالعزیز الدوری، (۱۹۷۸)، *بحث فی نشاه علم التاریخ عند العرب*، بیروت: دارالمشرق.

۳. حسن حضرتی، زینب امیدیان، (۱۳۹۵)، «امحای بت پرستی و بازآفرینی غرور قومی عرب: جستاری در تاریخ‌نگاری هشام کلبی بر پایه‌ی کتاب الاصنام»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، س. ۱۷، ش. ۳، ص. ۱۵۳-۱۹۰.

4. problematic

تولید متون را فهم کنیم.

روش کلبی در انساب‌نگاشته‌ها

جمهرة النسب و نسب معد و الیمن الکبیر قدیمی‌ترین انساب‌نگاشته‌های عرب به شمار می‌روند، که مرجع اصلی مورد استفاده مورخان و انساب‌نگاران پس از خود قرار می‌گیرند. این متون توسط نسب‌شناس شیعی مذهب به نام ابو مُنذر هشام بن محمد بن سائب بن بشر کلبی، معروف به ابن کلبی (۱۲۰-۲۰۴ ق.) به رشته تحریر درآمده‌اند.^۱ مؤلف در این متون از روش میسوط برای ذکر انساب عرب استفاده کرده و کل را بر جزء مقدم داشته است. طرح کلان ابن کلبی در تدوین انساب عمومی عرب اعم از شمالی (عدنانی) و جنوبی (قحطانی) باعث گردید که وی از منابع متعددی بهره گیرد. قرآن،^۲ شعر،^۳ اطلاعات نسب‌دانان نخستین،^۴ مصاحبه و گفتگو با علما و مشایخ قبایل^۵، منابع مکتوب و نیز کتیبه‌ها، اسناد و به ویژه نوشته‌هایی که بر روی سنگ مقبره‌های قدیمی نگاشته شده‌اند^۶ از منابع مورد استفاده هشام است. پس می‌توان گفت مؤلف با استفاده از منابع مختلف توانسته است اطلاعات ذی‌قیمتی درباره نسب قبایل به دست دهد و بی‌دلیل نیست که کتاب‌های وی قرن‌ها مرجع و مأخذ دیگر نسب‌شناسان قرار گرفته است. مؤلف در کتاب جمهرة

۱. از میان منابعی که به زیست‌نامه و آثار ابن کلبی اشاره کرده‌اند می‌توان این موارد را نام برد: یاقوت حموی، (۱۴۰۰ ق.)، معجم الأدباء، ج. ۱۹، بیروت: دارالفکر، ص. ۲۸۷-۲۹۲؛ صفدی، (۱۴۲۰ ق.)، الوافی بالوفیات، ج. ۲۷، تحقیق أحمد الأرنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: دار إحياء التراث، ص. ۲۱۴-۲۱۲؛ ابن الندیم البغدادی، (بی‌تا)، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، بی‌جا: بی‌نا، ص. ۱۱۱-۱۰۷؛ منابع تاریخ اسلام، ص. ۱۴۷-۱۵۴؛ الاصنام «تنکیس الاصنام»: تاریخ پرستش عرب پیش از اسلام، ص. ۳۱-۹۸.

۲. کلبی، هشام بن محمد، (بی‌تا)، جمهرة النسب، مقدمه سهیل زکار، تحقیق محمد فردوس العظم، دمشق: دار البیظه العربیه، ص. ۶۲-۶۳، ۲۷، ۹۶-۹۷، ۱۰۱.

۳. منبع اصلی هشام کلبی در درجه‌ی اول شعر بود، شعرهای فراوانی که در انساب‌نگاشته‌های او وجود دارد خود شاهد این مدعاست.

۴. الفهرست، ص. ۱۰۸؛ نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۶۹، ۱۴۲.

۵. جمهرة النسب، ص. ۴۴۴؛ نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الثانی، ص. ۵۵۹.

۶. نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الثانی، ص. ۵۳۶-۵۳۷؛ یاقوت حموی، (۱۹۸۷)، المقتضب من کتاب جمهرة النسب، بیروت: دار العربیه للموسوعات، ص. ۳۶۷.

قرن‌ها مرجع و مأخذ دیگر نسب‌شناسان قرار گرفته است. مؤلف در کتاب *جمهرة النسب*^۱ از نسب قریش و از آن میان از نسب پیامبر (ص) آغاز می‌کند، پس از آن به سراغ قبایل دیگر می‌رود و به این ترتیب یکایک شعوب عرب را بیان می‌کند. در کتاب *نسب معد و الیمن الکبیر* نیز به همین روش عمل می‌کند، به طوری که برخی به دلیل همین تشابه بسیار زیاد آن با اسلوب و روش *جمهرة النسب* این کتاب را قسمت مفقود *جمهرة النسب* دانسته‌اند.^۲

بافت فکری معاصر ابن کلیبی

برای فهم تاریخ‌نگاری هشام کلیبی باید اوضاع فرهنگی زمانه وی را مورد بحث قرار داد. هشام کلیبی پرورش‌یافته دو شهر معروف بین‌النهرین یعنی کوفه و بغداد بود. در سده نخستین اسلامی، شهر کوفه به دلیل سکونت قبایل، اقلیت‌ها و قومیت‌های گوناگون، دارای ساختار اجتماعی و فرهنگی پیچیده‌ای بود. نخستین پایه‌گذاران علوم اسلامی چون تفسیر، حدیث، فقه و ادبیات اکثراً از کوفه برخاسته بودند.^۳ در این شهر کنیسه‌ها و کلیساهای پراکنده‌ای وجود داشت که در زمینه‌های دینی و اجتماعی فعالیت داشتند.^۴ اما با انقلاب عباسیان و تأسیس بغداد در آستانه قرن دوم هجری، کوفه همچون بصره اهمیت پیشین خود را از دست داد و هشام کلیبی به بغداد سفر کرد، زیرا این شهر، به سبب حمایت خلفای عباسی از عالمان، به محل اجتماع و گردهم‌آیی فضلاء عجم، یهودی، یونانی و دانشمندان کشورهای دوردست دیگر تبدیل شده بود. اهل هر مذهب و ملتی در بغداد گرد هم آمدند و

۱. یاقوت حموی کتاب *جمهرة النسب* را با عنوان *المقتضب من کتاب جمهرة النسب خلاصه کرده است*. از این رو در این پژوهش از کتاب وی نیز استفاده شده است.

۲. برای اطلاعات بیشتر درباره روش و محتوای انساب‌نگاشته‌ها نک. «نقش شیعیان در نسب‌نگاری عمومی»، ص. ۱۰۷-۱۰۸، و تبیین نقش هشام کلیبی در فرهنگ و تمدن اسلامی، ص. ۹۵-۱۰۰.

۳. کاظم جنابی، (۱۳۸۶ ق.)، *تخطیط مدینه الکوفه*، بغداد: مجمع علمی العراقی، ص. ۶۷-۶۸؛ غلام‌رضا گلی‌زواره، (۱۳۷۳)، *سیمای کوفه*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ص. ۱۹۱، ۱۹۵.

۴. محمد سعید الطریحی، (۱۳۷۳)، «مخازن قدیمی کتاب‌های اسلامی در کوفه»، ترجمه سید حسین اسلامی، *مجله آینه پژوهش*، ش. ۲۹-۳۰، ص. ۴۰.

شاخصه‌های هویت عربی در نظام فکری هشام کلبی بر پایه انساب‌نگاشته‌های وی | ۷

این شهر را مرکز علوم و فنون دنیا نمودند.^۱ شاید به همین دلیل باشد که شافعی به شاگردش یونس بن عبد‌الاعلی که بغداد را ندیده بود می‌گوید: «بنابراین تو نه جهان را دیده‌ای و نه مردم جهان را...»^۲.

یکی از مسائل مهمی که عباسیان در پایتخت جدید خود با آن روبه‌رو شدند کشاکش فرهنگی عرب و عجم و رویارویی قومیت عرب در برابر نژادها و ملل دیگر به ویژه ایرانیان بود که برای بازگرداندن هویت قومی خود در برابر عرب‌ها قدم‌ها برداشتند. این امر دلایل مختلفی داشت و یکی از مهم‌ترین آن‌ها سیاست عربی‌سازی و قبیله‌گرایی خلافت پیشین (اموی) بود. برای نمونه، نهضت شعوبیه، که یک جنبش ادبی بود، با هدف بازسازی هویت ایرانی و اثبات برتری این نژاد بر قومیت عرب به ترجمه‌ی تاریخ ایران باستان به زبان عربی و سرودن اشعاری به این زبان با مضامین تفاخر به نیاکان باستانی‌شان دست زدند.^۳ در این فضا، بازتعریف و برجسته‌سازی هویت عربی امری ضروری به نظر می‌رسید. به سخن دیگر، جستجوی هویت‌های اصیل عربی در این دوره نیازمند مؤلفه‌سازی‌هایی بود که بتواند «تداوم هویت عربی» و تمایز آن با دیگر اقوام و فرهنگ‌های جامعه را تعریف کند. از آنجا که هر چالشی با پاسخ نخبگان اندیشمند همراه است، هشام کلبی از نخبگان عربی بود که گام‌های مؤثری برای رسیدن به این هدف برداشت. عرب‌های شبه‌جزیره قبل از بعثت پیامبر (ص)، به دلیل زندگی قبیله‌ای و عشیره‌ای، تاریخ و تمدن برجسته‌ای چون ایران باستان نداشتند تا چون شعوبیه با نگارش و ترجمه این تاریخ بدان افتخار کنند. بنابراین، ابن کلبی برای رفع و جبران این کمبود، از عامل «نسب» در امر هویت‌سازی بهره برد. عرب در این زمینه سابقه طولانی داشت و یکی از افتخارات خود را همین آگاهی به نسب و انساب خود می‌دانست و او ریشه‌ی

۱. گوستاو لوبون، (۱۳۳۴)، *تمدن اسلام و عرب*، ترجمه سید محمدتقی فخری داعی گیلانی، تهران: بنگاه مطبوعات علی‌اکبر اعلمی، ص. ۲۱۳.

۲. حموی، یاقوت بن عبدالله، (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، ج. ۱، بیروت: دار صادر، ص. ۴۶۳.

۳. حمید بهرامی احمدی، (۱۳۸۲)، «شعوبیه و تأثیرات آن در سیاست و ادب ایران و جهان اسلام»، *دین و ارتباطات*، ش. ۱۸-۱۹، ص. ۱۳۵-۱۶۲؛ حمید احمدی، (۱۳۸۲)، «هویت ملی ایرانی در گستره تاریخ»، *مطالعات علمی*، ش. ۱۵، ص. ۴۶-۴۷، ۳۳-۳۴.

تاریخی اعراب را به قرن‌ها پیش از اسلام می‌رساند.^۱ انساب‌نگاشته‌های ابن کلبی در این فضای فکری-فرهنگی تولید شد تا علاوه بر تدوین بخشی از تاریخ دوران باستان عرب، با به‌کارگیری مؤلفه‌های که در ذیل خواهد آمد، برتری این قوم را در برابر دیگر نژادهای بشری اثبات کند. بنابراین در ادامه بر آنیم تا با بررسی این مؤلفه‌ها، بازتاب این فضا را در دو نوشته‌ی او یعنی *جمهرة النسب و نسب معد و الیمن الکبیر* تبیین کنیم.

هویت عربی، مؤلفه‌ی محوری انساب‌نگاشته‌های هشام کلبی در نظام اندیشه‌ورزی هشام کلبی، بر اساس محتوای انساب‌نگاشته‌های او، عناصری چون موضوع بازنمایی نسب قوم عرب، سرزمین مشخص، ظهور حضرت محمد (ص) از میان قوم عرب، گذشته‌ی مشترک تاریخی، از جمله عوامل مؤثر در انسجام و تداوم هویت قوم عرب است. اینک به شرح هریک از عناصر یادشده می‌پردازیم.

الف) بازنمایی نسب قوم عرب

از میان عناصری که هشام کلبی به میزان وسیع در امر هویت‌سازی برای قوم عرب استفاده کرده است، به نظر می‌رسد مهم‌ترین شاخصه و ابزار، عنصر نسب بوده که به تولید دو کتاب و انبوهی از روایات دیگر در این زمینه توسط او منتهی شده است.

نسب در نزد عرب، همان کارکرد ملیت در دنیای امروزی را دارد؛ نسب فرد را مصون نگاه می‌دارد، حقوقش را حفظ و از او دفاع می‌کند، پس شخص نیز تمام سعی خود را برای حفظ نسبش انجام می‌دهد. با عنایت به این که نژاد عرب در سنت شفاهی خود بحث نسب را به عنوان بخش مهمی از پیشینه تاریخی‌اش حفظ کرده بود،^۲ این مبحث هم فضا و

۱. برای نمونه به روایت «مکالمه‌ی بین کسری و نعمان بن منذر» که به نقل از کلبی در کتاب *عقد الفرید* آمده است نگاه کنید: أحمد بن محمد بن عبد ربه، (۱۴۰۴ ق.)، *العقد الفرید*، ج. ۱، تحقیق مفید محمد قمیحه، بیروت: دار الکتب العلمیة، ص. ۲۷۷؛ قاسم بن سلام، (۱۴۱۰ ق.)، *النسب*، مریم محمد خیرالدرع، بیروت: دارالفکر، ص. ۲۳. برای نمونه هشام کلبی زمانی که از نسب اعراب جنوبی یعنی قحطانیان صحبت می‌کند، قبل از نام فرزندان قحطان، نسب قحطان را این گونه معرفی می‌کند: «قحطان بن عابر بن شالخ بن ارفخشذ بن سام نوح» این خود مصداقی بر این است که هشام نسب اعراب را به قرن‌ها پیش از اسلام می‌رساند. *نسب معد و الیمن الکبیر*، الجزء لاول، ص. ۱۳۱.

۲. غلامحسین زرگری‌نژاد، (۱۳۷۸)، *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، تهران: سمت، ص. ۱۶۴-۱۶۶؛ سید محمود سامانی، اصغر منتظرالقائم، (۱۳۹۰)، «دانش نسب‌شناسی» با تکیه بر نقش شیعیان امامی، فرهنگ و تمدن اسلامی، ش. ۳، ص. ۴۰.

۹ | شاخصه‌های هویت عربی در نظام فکری هشام کلبی بر پایه انساب‌نگاشته‌های وی

هم داده‌های کافی در امر هویت‌سازی در اختیار هشام قرار می‌داد و او با آگاهی از این کارکردها به سراغ نگارش انساب رفت.

ابن کلبی متون نسب‌نگاری خود را به قوم عرب در شبه‌جزیره اختصاص داد. این متون از همان ابتدا به خوانندگان نشان می‌داد که قوم عرب نژادی با جمعیت بسیار، دارای هویت و سرزمین مشترک است که برای شناخت این قوم وسیع باید شعوب و شاخه‌هایش را بازشناسی کرد، همچنان که پراکندگی جمعیتی آن را در شبه‌جزیره و سایر سرزمین‌هایی که بعدها زیر سیطره خلافت اسلامی قرار گرفت شناساند. برای نمونه وی به پراکندگی قبیله بنی وهب بن حارث در مدینه، کوفه، یمن و شام اشاره می‌کند.^۱ بازنمایی این موارد به نژادها و قومیت‌های دیگر خلافت اسلامی همچون ایرانی و رومی که در این زمان سعی در بازسازی هویت خویش داشتند نشان می‌داد قوم عرب نژادی با شاخه‌های وسیع و شناخته‌شده دارای مجد و بزرگی ویژه و در نتیجه دارای هویت مستقل بوده است. ذکر نسب مادری افراد قبایل^۲ این شکوه را برجسته‌تر می‌کرد و در عین حال تفاخرات عرب دوره پیش از اسلام را در رقابت‌های قبیله‌ای ایشان انعکاس می‌داد. توجه به یک مسئله دیگر در این متون هدف کلبی برای هویت‌سازی از طریق نسب‌نگاری را بیشتر تأیید می‌کند. تا پیش از هشام، آثاری در نسب برای برخی از قبایل عرب پدید آمده بود که مختص به خود آن قبیله بود، مثلاً زبیر بن بکار کتابی با عنوان نسب قریش نگاشته است که قبیله قریش را مورد بررسی قرار داده است،^۳ اما هشام همه قبایل عربی را در انساب‌نگاشته‌های خود مد نظر قرارداد.

ب) سرزمین مشترک، عنصری هویت‌ساز

یکی از شاخصه‌های هویتی، هویت سرزمینی است که بر پیوند گروهی از مردم با مکان

۱. نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۱۸۰؛ برای دیدن نمونه‌های بیشتر، نک. همان، ص. ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۸۸، ۱۹۱، ۲۲۵، ۲۴۹؛ همان، الجزء الثانی، ص. ۴۵۲، ۴۶۱؛ جمهرة النسب، ص. ۳۵، ۳۲، ۳۹، ۵۹، ۱۱۵.

۲. برای نمونه، نک. نسب معد و الیمن الکبیر، ص. ۵۶۳-۵۶۴.

۳. الوافی بالوفیات، ج. ۱۴، ص. ۱۲۵.

جغرافیایی خاص تأکید دارد. در انساب‌نگاشته‌های ابن کلبی به طور صریح به سرزمین معینی به عنوان وطن اعراب اشاره نشده است، اما با توجه به قرائن و نشانه‌ها به وضوح می‌توان دید که وی قومیت عرب را در گستره‌ی جغرافیایی جزیره‌ی العرب^۱ مورد بررسی قرار داده است. این محدوده مطالعاتی اعتقاد کلبی را مبنی بر این که خاستگاه نژاد عرب نه از افریقای شرقی یا بابل و...^۲ بلکه از شبه‌جزیره عربی بوده است به تصویر می‌کشد.^۳

نویسنده در روایت و بازخوانی انساب عرب نشان می‌دهد که چگونه قبایل عرب ابتدا در جزیره‌ی العرب و سپس در سرزمین‌های ایران و روم که در آینده ذیل سیطره جهان اسلام درآمدند پراکنده شدند. این امر را می‌توان ناشی از واکنش هشام هم به چالش‌های پیش روی قوم عرب در برابر قومیت‌های دیگر خلافت اسلامی و هم به اختلافات فراوان قبایل عرب در زمانه‌ی نویسنده دانست. او تلاش کرد به قبایل پراکنده و رقیب عرب یادآوری کند که ریشه همه آن‌ها نژاد و سرزمین مشترک است.^۴

هشام کلبی در جای‌جای کتاب خود از اماکن و منزلگاه‌های قبایل عرب یاد کرده است. به دیگر سخن، بادیه‌ها و صحراها و منازل عرب‌ها را که در اخبار و اشعار آن‌ها آمده است در انساب‌نگاشته‌های خود می‌آورد. برای مثال از اماکنی چون وادی القری، وادی السبّاع، الْمُغِیْثِیَّة، بئر مَعُونَة و بطنِ الرَّاحَة و... نام می‌برد.^۵ از سوی دیگر، او پراکنده شدن قبایل را در شهرهای دوره‌ی اسلامی چون مکه، مدینه، بصره، کوفه، شام، بحرین و عمان و... نشان داد.^۶ شایان ذکر است اگر شخص و قبیله‌ای به سرزمین‌های دیگر مهاجرت کرده یا شغل و

۱. می‌توان آن را با شبه‌جزیره عربستان تطبیق داد (یا در ترجمه فارسی آن می‌توان از عبارت شبه‌جزیره عربستان استفاده کرد) که یاقوت حموی به نقل از هشام کلبی این محدوده را مشخص کرده که همان شبه‌جزیره عربستان است. نک. معجم البلدان، ج. ۲، ص. ۱۳۷، ۲۱۹-۲۲۰.

۲. تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، ص. ۱۰-۱۱.

۳. نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۱۷، ۱۳۱.

۴. همان، الجزء الاول و الثانی، ص. ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۶، ۲۰۷، ۳۰۷، ۷۱۹ و... .

۵. همان، ص. ۲۰۷، ۳۰۷، ۷۱۹، ۷۲۱، ۵۵۴، ۳۸۸، ۴۱۲، ۵۲۹.

۶. همان، ص. ۱۷۰، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۸۰، ۴۱۹، ۴۲۰، ۶۲، ۸۱، ۱۷۸، ۴۵۲، ۴۶۱، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۶۹، ۲۲۵، ۱۸، ۶۴، ۱۴۰، ۲۴۹، ۳۰۸، ۲۴، ۱۱۱، ۱۹۴، ۲۲، ۴۷، ۶۱، ۱۲۹، ۱۵۲؛ جمهرة النسب،

ص. ۳۵، ۳۹، ۱۱۵، ۳۲، ۵۹.

شاخصه‌های هویت عربی در نظام فکری هشام کلبی بر پایه انساب‌نگاشته‌های وی | ۱۱

منصبی خارج از دایره‌ی جغرافیای عربستان کسب کرده بود، مؤلف آن را به عنوان شاهی بر پراکندگی قوم عرب بیان کرده است. یادکرد او از ابومالک اُسَید بن عبدالله به عنوان والی خراسان^۱ و از مُذَرک بن ضَبّ به عنوان والی ری^۲ شاهی بر این موضوع است. سخن از این سرزمین مشترک و تیره‌های قبایل عرب یادآور افتخارات و اشرافیت قبیله‌ای عصر جاهلی بود. در حالی که در عصر پیش از اسلام تفاخر به نسب و شمارش آن به رویارویی عرب با عرب مربوط می‌شد، این کار در متن کلبی برای رویارویی و تفاخر بین عرب و غیرعرب به کار گرفته شد. مؤلف انساب تلاش کرد کثرت جمعیت قوم عرب را به همراه آگاهی قبایل بزرگ و کوچک این قوم از اجداد، نیاکان و شجره‌نامه‌هایشان را به خوانندگان اثبات کند. این کار افتخار و مجد و هویتی را به نژاد عرب اختصاص می‌داد که قوم‌های دیگر نظیر ایرانی و رومی - باوجود ادعای نژادی والاتر - از آن بی‌بهره بودند.

ج) ظهور خاتم‌الانبیاء (ص) از میان عرب

هشام کلبی در کتب خود یک تقسیم‌بندی و یک مرزبندی را مد نظر داشته است و آن هم دو دوره پیش از اسلام و پس از اسلام است و نکته شایان توجه این که دوره‌ی پیش از اسلام را دوره‌ی جاهلی نامیده که نشان از دیدگاه اسلامی و تأثیرپذیری او از قرآن کریم دارد. از نمونه جملاتی که این واژه در آن‌ها به کار رفته است می‌توان به این جملات اشاره کرد: «هانی بن اَبی شِمر مرد شرافتمندی در عصر جاهلیت بود»^۳ «حُجْر بن عَدِی در دوره‌ی جاهلی-اسلامی می‌زیست»^۴.

از دیدگاه نگارنده این پژوهش، پیوستگی‌های مشترک اعتقادی یکی از عناصر هویت‌ساز در منظومه‌ی فکری هشام کلبی به شمار می‌آید. برای نمونه، او کتاب *انساب* خود را با نسب پیامبر (ص) آغاز می‌کند و اعراب را مسلمانان نخستین و همراهان

۱. نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۴۵۱.

۲. همان، ص. ۵۵۸.

۳. همان، ص. ۱۴۲.

۴. همان؛ برای نمونه‌های بیشتر درباره جاهلیت، نک. همان، ص. ۱۵۲، ۲۲۴، ۲۲۹، ۳۱۶، ۷۳۰، ۲۸۰،

۵۴۹، و...؛ *جمهرة النسب*، ص. ۳۰۲، ۳۲۵، ۴۰۷.

پیامبر(ص) در موقعیت‌های حساس معرفی می‌کند.^۱ ابن کلبی به مثابه اندیشمندی شریعت‌مدار به دنبال پیوند دادن هویت عربی با هویت اسلامی است. در حقیقت، باید تلاش او را در بازپردازی هویت عربی تلاشی دوسویه دانست. او از یک سو نگاه ویژه‌ای به مظاهر و افتخارات گذشته باستانی خویش داشته و از سوی دیگر به دین اسلام و ظهور پیامبر(ص) در میان قومش یعنی قوم عرب توجهی ژرف نشان داده است. به دیگر سخن، او ضمن حفظ مفاخر گذشته عربی، افتخار نسب عرب را با افتخار به دین اسلام درآمیخته است. در حقیقت ابن کلبی قصد دارد نقش رسول‌الله(ص) را در امر هویت‌سازی نژاد عرب برجسته کند و مبعوث شدن ایشان از میان قوم عرب را به دیگر قومیت‌های حاضر در سرزمین اسلامی یادآور شود.

توجه به چگونگی کاربست واژگان، جملات و نحوه چیدمان آن‌ها در گزارش‌های *جمهرة النسب و نسب معد و الیمن الکبیر*، مؤلفه‌ی ظهور پیامبر(ص) از میان قوم عرب را منعکس می‌کند. بر اساس این شیوه، نخستین مؤلفه‌ای که در متون یادشده آشکار می‌شود مفاهیم نبوت پیامبر(ص) در میان عرب است. ابن کلبی در جای‌جای نگاشته‌های یادشده^۲ بر پایه این مفهوم دست به انتخاب واژگان، جملات و گزینش گزارش‌ها و روایت‌ها زده و با ادغام آن‌ها قسمت عمده‌ای از متن را سازمان داده است.

چنان که در مبحث معرفی کتاب *جمهرة النسب* اشاره شد، مؤلف متون، هوشمندانه و آگاهانه، نگارش خویش را با نسب قریش آغاز کرده و خیلی زود به سراغ نسب پیامبر(ص) رفته و به آن نقش محوری داده است. وی قصد دارد با این نوع سامان‌دهی از یک سو حضرت محمد(ص) را به عنوان فردی عرب‌تبار با نسب مشخص معرفی کند و از سوی دیگر سعی دارد به قومیت‌ها و نژادهای مختلف نشان دهد که خداوند قوم عرب را قومی برگزیده دانسته که رسالت پیام‌آور خویش را در میان آنان قرار داد، پس این افتخار بزرگ نصیب نژاد عرب شده است. نویسنده از همان ابتدا تلاش می‌کند میان مؤلفه نبوت

۱. *جمهرة النسب*، ص. ۲۹؛ *المقتضب من کتاب جمهرة النسب*، ص. ۲۷، ۵۹، ۹۲، ۱۶۹، ۲۱۱، ۳۴۱ و ...

۲. به عنوان نمونه به‌کارگیری عبارات «رسول‌الله» و «نبی‌الله» را در این منابع ببینید: *جمهرة النسب*، ص.

۱۷، ۲۳، ۲۶، و...؛ *نسب معد و الیمن الکبیر*، الجزء الثانی، ص. ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹ و ...

پیامبر (ص) و ریشه‌ی عربی ایشان ارتباط ایجاد کند و عرب بودن وی و نیز افتخار عرب را به این که پیامبر (ص) از میان آنان برخاسته است در تاریخ نسب عرب برجسته نماید. این بزرگ‌نمایی از مقدار تکرار نام حضرت محمد (ص) و پیوند آن با مبعوث شدن از جانب الله نیز آشکار می‌شود.^۱ هنگامی که هشام کلبی می‌خواهد تولد پیامبر (ص) را روایت کند، گزاره‌ی «سید ولد آدم محمد صلی الله علیه و آله»^۲ را به کار می‌برد تا نقش پیامبر (ص) را به عنوان برترین فرزندان آدم برجسته سازد. این تنها دفعه‌ای است که نام ایشان را محمد (ص) خطاب کرده و در جاهای دیگر از لقب «رسول الله» و «نبی الله» استفاده می‌کند^۳ تا بر الهی بودن نبوت ایشان تأکید کند. زیرا در زمانه ابن کلبی، یعنی قرن نخست عباسی، علمای ادیان مختلف همچون مسیحیت، یهودیت، زرتشتی و صابئی، در مناظرات بین‌الادیانی، کتاب‌ها و رساله‌هایشان عقاید مسلمانان را به چالش می‌کشیدند. این مناظرات بیشتر پیرامون انکار عقیده مسلمانان بر الهی بودن این دین، صدق ادعای نبوت حضرت محمد (ص) و آسمانی بودن کتاب قرآن انجام می‌شد.^۴ در این دوره، در میان ادیان مناظره‌کننده، بیش از همه، بازار دفاعیه‌نویسی مسیحیان علیه مسلمانان گرم بود، و علمای آن‌ها آثار کلامی، ردیه‌ها و دفاعیه‌هایی را در مقابل مخالفت‌های رایج مسلمانان با تعالیم مسیحی ارائه می‌کردند. تعداد زیاد رساله‌های متکلمان مسلمان علیه دفاعیه‌پردازان مسیحی (در مقایسه با دیگر ادیان) در این قرن - که در *الفهرست* ابن ندیم باقی مانده است^۵ - و

۱. *جمهرة النسب*، ص. ۱۷، ۲۹، ۲۶، و...؛ *نسب معد و الیمن الکبیر*، الجزء الثانی، ص. ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹ و...

۲. *جمهرة النسب*، ص. ۲۹؛ *المقتضب من کتاب جمهرة النسب*، ص. ۲۷.

۳. *جمهرة النسب*، ص. ۱۷، ۲۳، ۲۶، و...؛ *نسب معد و الیمن الکبیر*، الجزء الثانی، ص. ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹ و...

۴. برای نمونه، نک. سیدنی گریفیث، (۱۳۸۶)، «کتاب مقدس و پیام حضرت محمد (ص) بر اساس دفاعیه‌های مسیحی به زبان‌های غربی و سریانی در اولین قرن زمامداری عباسیان»، ترجمه وحید صفری، *هفت آسمان*، ش. ۳۴؛ *جاحظ*، (۱۳۴۴ ق.)، *ثلاث رسائل الاولی فی الرد علی النصارى الثانیة فی ذم اخلاق الكتاب و الثالثه فی القیان*، *مصحح فنکل یوشع*، قاهره: المطبعة السلفیه و مکتبها، ص. ۱۰-۳۸؛ سید جعفر سیدان، (۱۳۹۲)، «بینونت خالق و مخلوق با تأکید بر مناظره عمران صابی با امام رضا (ع)»، *سفینه*، ش. ۴۰.

۵. برای نمونه ابن ندیم به کتاب‌های عیسی بن صبیح مردار که در رد مسیحیان نوشته اشاره می‌کند (*الفهرست*، ص. ۲۰۶-۲۰۷).

اشارات جاحظ در رساله الرد علی النصارى، انعکاس‌دهنده این حجم وسیع تلاش‌های مسیحیان در این زمینه است.^۱ در چنین فضای فکری و مناظرات فرهنگی، هشام کلبی مانند بسیاری از متفکران مسلمان سعی کرد به اثبات حقانیت اسلام در برابر ادیان دیگر بپردازد.

ضمن آن که در سراسر دو متن نَسَب به حضور تاریخی پیامبر (ص) در میان عرب توجه شده است، برجستگی نقش نبوت و رسالت ایشان در گزارش‌های متعدد این متون به ویژه در سه موضوع اعجاز، جنگ‌ها و وفود هویداست. از جمله اخباری که مؤلف برای نشان دادن اعجاز پیامبر (ص) در میان عرب استفاده می‌کند می‌توان از خبرهای تاریخی عنکیوت بر در غار در مسیر هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه،^۲ پیشگویی ایشان از حرکت وفد مردان عَبْد الْقَیْس به مدینه^۳ و تفویض معجزه‌ی ساطع شدن نور از چشمان و عصا به طُفَیل بن ذی النُّون برای هدایت یک قبیله^۴ یاد کرد. این کلبی اخبار بسیاری در مورد حوادث و جنگ‌های دوره پیامبر (ص) به همراه افرادی که در آن‌ها حضور داشتند آورده است. برای نمونه، در متن نسب معد و الیمن الکبیر، نام جنگ احد ۵۴ بار،^۵ جنگ بدر ۷۳ بار،^۶ جنگ خندق ۱۲ بار،^۷ خیبر ۷ بار،^۸ و جنگ تبوک ۷ بار^۹ به کار رفته است.

۱. ثلاث رسائل الاولى فی الرد علی النصارى الثانية فی ذم اخلاق الكتاب و الثالثة فی القیان، ص. ۱۰-۳۸.

۲. نسب معد و الیمن الکبیر، الجزء الثانی، ص. ۴۴۴.

۳. نسب معد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۱۰۵.

۴. نسب معد و الیمن الکبیر، الجزء الثانی، ص. ۴۹۵.

۵. نسب معد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۵ و...؛ همان، الجزء الثانی، ص. ۴۵۷، ۴۵۹، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۲۴.

۶. نسب معد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۹۵، ۱۹۶، ۲۱۱، ۲۸۳، ۳۱۴، ۳۲۶ و...؛ الجزء الثانی، ص. ۴۵۴، ۴۶۰، ۴۹۷، ۶۱۷، ۶۲۷ و....

۷. نسب معد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۳۶۶، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۹، ۳۸۳ و...؛ الجزء الثانی، ص. ۷۱۲.

۸. نسب معد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۳۶۷، ۳۷۴، ۳۸۲، ۴۲۳، ۴۲۹؛ الجزء الثانی، ص. ۴۵۸، ۶۹۰.

۹. نسب معد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۳۹۳، ۳۹۴، ۴۰۱، ۴۱۵، ۴۳۱؛ الجزء الثانی، ص. ۴۵۳، ۴۵۴.

همچنین در جاهای مختلف انساب‌نوشته‌های این نویسنده، نام وفودی از قبایل مختلف که به نزد پیامبر (ص) آمدند به همراه گفتگو و توصیه‌های پیامبر به آن‌ها شرح داده شده است.^۱ این اخبار از یک سو غلبه و پیروزی اسلام را در طول حیات پیام‌آورش نشان می‌دهد، و از سوی دیگر تأکیدی بر پذیرش اسلام توسط عرب‌ها و نقش مهم تاریخی همراهی ایشان با رسول‌الله (ص) برای گسترش دعوت و پیام توحید است.

عرب‌های شبه‌جزیره قبل از بعثت پیامبر (ص) زندگی قبیله‌ای و عشیره‌ای داشتند، در نتیجه تاریخ برجسته‌ای چون تاریخ ایران باستان نداشتند تا چون شعوبه با نگارش و ترجمه این تاریخ بدان افتخار کنند. بنابراین، ابن کلبی برای رفع این کمبود، متأثر از بینش دینی خود، دین را به جای امپراطوری‌های بزرگ همچون عاملی جبران‌کننده قرار داده است. به سخن دیگر، میان هویت عربی و هویت اسلامی پیوستگی و یگانگی به وجود آورده است. هشام کلبی نشان می‌دهد که در دوره اسلامی اصلی‌ترین مایه‌ی غرور قومی عرب بعثت پیامبر در میان ایشان بوده است. انساب‌نگاشته‌های او را می‌توان یک ادعانامه یا اعلام مؤکد از هویت عربی در امپراطوری چندملیتی در حال گسترشی دانست که پیامبر(ص) را فردی از تبار و نژاد عرب معرفی می‌کرد.^۲

(د) بازخوانی ورق‌هایی از گذشته‌ی تاریخی عرب

هشام کلبی، در کنار کاربست عنصر نسب، از ابزار بازخوانی و بازنمایی بخش‌هایی از تاریخ عرب نیز در امر هویت‌سازی استفاده می‌نماید. این عنصر در ضمن توضیح و شرح نسب قبایل عرب در متون گنجانده شده است، اما همه تاریخ عرب را در بر ندارد و حتی ذیل توضیح نسب هر قبیله تاریخ حوادث گذشته‌ی آن را به شکل منسجم و در یک روایت پیوسته ارائه نمی‌دهد. این دلیلی است بر این که کلبی در این متون نه به عنوان یک مورخ

۱. *جمهرة النسب*، ص. ۱۸۱، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۵۷، ۲۶۲، ۳۰۰، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۳۴، ۳۴۵، ۳۴۹، ۳۵۹، ۳۶۵، ۳۶۱، ۳۶۴ و...؛ *نسب معد و الیمن الکبیر*، الجزء الاول، ص. ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۴۰، ۱۵۱، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۸۰، ۲۱۰، ۲۷۲، ۳۰۵، ۳۱۱، ۳۴۴ و...؛ *جمهرة النسب*، ص. ۱۸۱، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۵۷، ۲۶۲، ۳۰۰، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۳۴، ۳۴۵، ۳۴۹، ۳۶۱، ۳۶۵ و... .

2. Tarif Khalidi, (1996), *Arabic Historical Thought in the Classical Period*, Cambridge University Press, p. 50.

بلکه در مقام یک راوی و اخباری با عنصر «تاریخ گذشته نژاد عرب» به گفت‌و شنود نشسته است. او هدف خود را از تولید متون نسب‌نگاری خوانش نسب عرب دانسته و تلاشی برای بازنمایی تاریخ عرب در خلال شرح نسب‌های این قوم انجام نمی‌دهد؛ امری که در آثار بعدی نسب‌نگاری چون *المحبر ابن حبيب و انساب الاشراف* بلاذری آشکارا دیده می‌شود. با وجود این، توجه به اخبار پراکنده و نامنسجم تاریخ عرب در این دو متن می‌تواند نشانه‌هایی برای فهم شیوه این کلیبی در هویت‌سازی برای قوم خود به دست دهد. ادامه بحث این قسمت به دسته‌بندی و تحلیل موضوعاتی اختصاص می‌یابد که ابن کلبی گذشته و تاریخ عرب را با این هدف به تصویر کشیده است.

۱. یادى از حکومت‌های باستانی عرب

هشام کلبی در بازخوانی نسب قوم عرب، از میان همه‌ی تمدن‌ها و حکومت‌های باستانی عرب، همانند بسیاری از راویان و مورخان، تنها به عصر حکومت‌های تابعه (حمیریان)، حیره و غسان توجه کرده است که به تاریخ ظهور اسلام نزدیک‌ترند و آگاهی اخباریون عرب از آن‌ها بیشتر بوده است. هشام در ضمن شرح نسب کامل این سه قوم، اشاراتی به شخصیت‌های برجسته این اقوام دارد که در میان آن‌ها او بر اشخاصی تأکید می‌کند که به پادشاهی رسیدند و در این جایگاه دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی بودند. از جمله پادشاهانی که متون انساب کلبی از آن‌ها یاد کرده است *نُعمان و مُنذر در حیره، بنو جفنه بن عمر و مُزَیقیا در غسان، عَلْقَمَةُ بن شَرَاحِیل، زَید بن مُرَب بن مَعْدی کَرِب، سَدَاد بن زُرعه بن سَبَأ، حَسَان تَبَع و ذونواس در یمن هستند*^۱ در این بین، ویژگی‌ها و رخدادهای منحصربه‌فرد این پادشاهان نیز برجسته شده که برای نمونه می‌توان به عمر طولانی حکومت برخی از این پادشاهان عرب همچون حارث بن عمرو (حک. ۶۰ سال)^۲ و جُدَیمه بن اَبَرَش (حک. ۱۱۸ سال)^۳ و واقعه اصحاب اخدود در زمان

۱. *المقتضب من جمهرة النسب*، ص. ۳۲۶؛ *نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول*، ص. ۴۳۵؛ همان، الجزء الثانی، ص. ۵۴۵-۵۴۶، ۵۴۷.

۲. *المقتضب من جمهرة النسب*، ص. ۲۶۲.

۳. همان، ص. ۲۷۱.

ذونواس^۱ اشاره کرد. تلاش نویسنده در امر برجسته‌سازی، گاه سبب ورود او به حوزه افسانه‌پردازی می‌شود تا جایی که حتی از شمس یرعش بن یاسر و افریقش بن قیس بن سیفی، به عنوان پادشاهانی از تبعه نام می‌برد که به فتح سمرقند و افریقیه (سرزمین‌های شمال آفریقا) نائل شدند.^۲ این بزرگ‌نمایی تقابل با کشورگشایی‌های داریوش و اسکندر در مصر و ماوراءالنهر را به ذهن متبادر می‌کند. با وجود این، در اشارات تاریخی متون انساب، پادشاهان حیره بیشتر برجسته شده‌اند که دلایل آن، هم مربوط به میزان اطلاعات بیشتر نویسنده از این حکومت (به دلیل نزدیکی کوفه به حیره) و هم به تفاخرطلبی او در برابر ایرانیان مرتبط است، زیرا ایرانیان در کتاب‌های خود از حکومت حیره و آل لخم اطلاع بیشتری داشتند. در مجموع، برجسته‌سازی پادشاهان عرب پیش از اسلام را باید واکنش هشام کلبی در برابر شعوبیه دانست که به تاریخ باستان خویش افتخار می‌کردند و او به صورت عکس‌العملی تلاش داشت جلوه‌هایی از شکوه و عظمت حکومت‌های باستانی عرب را در نگاه خوانندگان عرب و غیرعرب خود به اثبات برساند.

۲. پرداختن به اوائل

در کتب پیشین از مفهوم اوائل‌نگاری دو معنای ضمنی استخراج می‌شود. در برخی از این کتب مراد از «الاوائل» شرح تاریخ پیشینیان همچون انبیا و قوم‌های از میان‌رفته چون عاد و ثمود است،^۳ که برخی از کتب کلبی مانند کتاب حدیث آدم و ولده، کتاب عاد الاولی و الآخرة، کتاب اصحاب الکهف و... ذیل این گونه قرار می‌گیرد. گونه‌ی دیگر الاوائل آوردن نام کسانی است که برای اولین بار دست به کاری زده‌اند، و با کنار هم گذاشتن آن‌ها می‌توان دائرةالمعارفی از «نخستین‌ها» به دست داد. از گونه دوم، کهن‌ترین کتاب با عنوان «الاوائل» نوشته هشام کلبی است.^۴ این گونه به فراوانی در انساب‌نگاشته‌های ابن کلبی

۱. نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الثانی، ص. ۵۴۷.

۲. نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الثانی، ص. ۵۴۸.

۳. الفهرست، ص. ۱۰۹.

۴. احمد بن علی نجاشی، (۱۳۶۵)، رجال النجاشی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین بقم المشرفة، ص. ۴۳۴؛ در معجم الادبیا نیز نام الاوائل دیده می‌شود (ج. ۱۹، ص. ۲۸۹).

دیده می‌شود. در این قسمت به دنبال آنیم که انگیزه و هدف این نویسنده از پرداختن به «اولین‌ها» را در این متون نسب بیابیم.

نمونه‌های نخستین عمل در این متون بسیار فراوان دیده می‌شود که می‌توان آن‌ها را در سه موضوع کلی تقسیم‌بندی کرد: نخستین استفاده‌کنندگان از ابزار و رواج‌دهندگان فنون؛ نخستین شکنندگان هنجارهای جامعه؛ و نخستین افراد در مسائل مربوط به جنگ.^۱ به زعم نگارنده بررسی مصادیق و نمونه‌های اوائل، ایدئولوژی ابن کلبی را منعکس می‌کند. او با ذکر نام کسانی که در میان مردم عرب برای نخستین بار دست به کاری زده‌اند، قصد داشته فضل تقدم استفاده از برخی فنون و صنایع و نیز فضایل ایشار و شهادت در اسلام را به اعراب نسبت دهد و گذشته‌ی تاریخی عرب را برجسته کند. از آنجا که کلبی از روایت‌ها و اخبار اسطوره‌ای ایران‌زمین اطلاع کافی داشته است، شیوه اوایل این اسطوره‌ها را، با هدف برجسته‌سازی نژاد عرب و حاشیه‌رانی قومیت‌های دیگر، گره‌برداری کرده و آن را برای قوم عرب به کار برده است. هدف پنهان دیگر از اوایل‌نگاری در میان نسب عرب با رقابت‌ها و تعصبات قبیله‌ای مؤلف بیوند تنگاتنگ دارد.

۳. پرداختن به معمرین

این اصطلاح در مورد افرادی به کار رفته که عمرهایی طولانی داشته و روزگاری دراز زیسته‌اند و غالب کتاب‌های تاریخ، سیره و انساب بسیاری از این افراد را معرفی کرده‌اند. از جمله این نویسندگان می‌توان به ابومخنف، ابن کلبی، هیشم بن عدی، بلاذری، طبری، و ابن قتیبه اشاره کرد.^۲ کلبی نام این معمرین را در انساب‌نگاشته‌های خود آورده است، که به نظر می‌رسد این مطالب برگرفته از کتاب معمرین وی باشد. ذکر نام معمرین قبایل در ذیل مباحث مربوط به انساب نشان از اهمیت بالای جایگاه نژاد عرب در نظام اندیشگانی مؤلف

۱. نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۳۷۵، ۲۱۲، ۳۷۸، ۵۴۷، الجزء الثانی، ص. ۴۵۱، ۴۶۷، ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۵۲، ۴۵۱، و...؛ المقتضب من جمهرة النسب، ص. ۷۶، ۳۰۸، ۳۷۰.
 ۲. الفهرست، ص. ۱۰۹ و ۱۱۲؛ الوافی بالوفیات، ج. ۲۷، ص. ۲۱۳؛ آقا بزرگ تهرانی، (۱۴۰۸ ق.)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج. ۲۱، تهران: کتابخانه اسلامی، ص. ۲۶۸.

شاخصه‌های هویت عربی در نظام فکری هشام کلبی بر پایه انساب‌نگاشته‌های وی | ۱۹

دارد که سبب شده درازا و طول مدت زندگانی مردم این نژاد نیز مورد توجه این نویسنده قرار بگیرد. برای نمونه، وی آورده است که «ابوعُبَیْس شاعر جاهلی، کسی که عمرش طولانی بود»^۱ یا «امری القیس بن حُجر از معمرین بود»^۲.

۴. پرداختن به القاب

یکی دیگر از خصوصیات که به کرات در انساب‌نگاشته‌های هشام کلبی می‌بینیم توجه به لقب‌های افراد است. سخن از لقب‌هایی که اعراب در ساختار قبیله‌ای جزیره‌العرب یکدیگر را بدان متصف می‌کردند، همانند مبحث اوائل، یکی از نشانه‌های اهمیت قوم عرب در نگاه کلبی است و همان کارکرد را در امر برجسته‌سازی هویت عرب در متون این مؤلف ایفا می‌کند. برای نمونه می‌توان به این مورد اشاره کرد: «وَهَب بن حارث همان قَرْد است که در زبان اهل یمن به معنای بخشنده است و او به خاطر بخشنده‌گی‌اش به قَرْد معروف گشت»^۳.

۵. ضرب‌المثل‌ها

ضرب‌المثل‌ها زیرمجموعه فرهنگ مردم است که آن نیز یکی از عناصر مهم هویت‌ساز است. ضرب‌المثل‌ها به دلیل اهمیتی که در فرهنگ‌سازی، انعکاس فرهنگ مردم و هویت فردی و اجتماعی آنان دارند، مقوله‌ای مهم در مطالعات مربوط به هویت محسوب می‌شوند. از این رو به‌کارگیری ضرب‌المثل تلاش دیگری از سوی مؤلف برای بازنمایی هویت عربی است.^۴ مؤلف ضمن بیان مَثَل‌ها ریشه‌ی آن‌ها را نیز بیان می‌کند. در مجموع ابن کلبی در کتاب *نسب معد و الیمن الکبیر ریشه‌ی ۳۲ مَثَل را بیان می‌کند*^۵ و در کتاب *جمهرة النسب*

۱. *نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الثانی، ص. ۵۲۴.*

۲. همان، ص. ۵۹۹.

۳. *المقتضب من جمهرة النسب، ص. ۲۶۲؛ برای دیدن نمونه‌های بیشتر نک. همان، ص. ۱۱۶، ۳۳۶ و...*

۴. *نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۱۰۹، ۱۴۴، ۲۲۰-۲۲۱، ۲۶۷ و...*

۵. حسن ذوالفقاری، (۱۳۷۶)، «هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی»، *مطالعات ملی، س. ۸، ش. ۲، ص. ۲۷.*

۶. *نسب المعد و الیمن الکبیر، ص. ۲۳، ۲۸، ۳۱، ۴۰، ۴۳، ۲۹، ۸۷، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۴۶، ۱۴۸، ۲۰۲، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۵۰، ۳۰۱، ۳۷۳، ۳۵۴، ۴۴۰، ۴۷۷، ۴۷۹، ۴۷۶، ۶۱۹، ۶۲۷، ۶۹۲، ۸۳۱.*

۱۵ مَثَل را بیان کرده است.^۱ برای نمونه این کلبی ریشه‌ی یک مَثَل را این گونه گفته است: «یکی از خوارج که مأمور کشتن عمروعاص بود به اشتباه خَارجَه بن خُذَاقَه قاضی عمروعاص را کشت و عمروعاص گفت «اردت عمراً و اراد الله خارجاً» یعنی تو قصد عمروعاص کردی ولی خداوند قصد خارجه را کرد».^۲

۶. روابط اجتماعی، حلف‌ها و پیمان‌های قبایل

یکی از مواردی که بازنمایی وقایع تاریخی عرب در خلال مبحث انساب در آن صورت گرفته، روایات مربوط به روابط قبایل با یکدیگر و احلاف و پیمان‌های بین آنهاست. زندگی در بادیه برخی قبایل عرب در پیش از اسلام را مجبور به بستن عقد و پیمان‌هایی می‌کرد تا آنان را از خطرهای بادیه و دشمنی قبایل دیگر مصون بدارد. اتحاد و صف‌بندی‌های میان قبایل رقیب منجر به تأکید آنان به تفاخرات نسبی خویش و رذایل و منال قبیله غیر می‌شد. این نوع روابط در دوره اسلامی نیز به اشکال گوناگون به حیات خود ادامه داد.^۳

متأثر از این فضا، کلبی در متون انساب خود، بسیاری از فخرفروشی‌های این قبایل و خاندان‌های عرب را بیان می‌کند که منجر به چالش و جنگ در میان آنها شده است.^۴ با وجود این که این اخبار و روایات به خوبی در امر هویت‌سازی تاریخی از قوم عرب به کلبی یاری می‌رساند، باید به یاد داشت که بسیاری از آنها از عنصر زمان تهی هستند. نمونه‌های این نوع روابط بیناقتبالی در دو متن انساب به وفور قابل مشاهده است که برای نمونه می‌توان به «ربیعہ بن شَکَل کسی که بین بنی‌عامر و بنی‌عبس پیمان بست»^۵

۱. *جمهرة النسب*، ص. ۱۰۹، ۷۰، ۷۴، ۱۳۵، ۱۸۹، ۱۹۴، ۲۴۶، ۲۷۲، ۳۸۵، ۳۱۳، ۳۱۵، ۴۳۸، ۴۹۷، ۵۸۲، ۶۱۸، ۵۸۵.

۲. همان، ص. ۱۰۹.

۳. *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، ص. ۱۵۹.

۴. *جمهرة النسب*، ص. ۱۶۱-۱۶۲، ۳۵۶ و...؛ *نسب المعد و الیمن الکبیر*، الجزء الاول، ص. ۱۴۵-۱۴۶؛ همان، الجزء الثانی، ص. ۶۳۱؛ برای دیدن نمونه‌های بیشتر نک. همان، ص. ۴۴۵، ۴۹۴، ۴۹۸، ۵۱۷، ۵۴۴، ۵۸۹، ۶۱۲، ۶۲۲، ۷۰۲، ۷۰۹، ۷۱۱ و... .

۵. *جمهرة النسب*، ص. ۳۵۶؛ *نسب المعد و الیمن الکبیر*، الجزء الثانی، ص. ۶۳۱؛ برای دیدن نمونه‌های بیشتر نک. همان، ص. ۴۴۵، ۴۹۸، ۵۴۴، ۵۸۹، ۶۱۲، ۶۲۲، ۷۰۲، ۷۰۹، ۷۱۱ و... .

اشاره کرد.

۷. گذرهایی به زندگی اجتماعی و اقتصادی قوم عرب

کلبی در طرح هویت‌سازی خود تلاش کرد از همه ابزار و موادی که گذشته‌ی قوم عرب می‌توانست در اختیار او قرار دهد استفاده کند. یکی از این مواد، زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه عربی شبه‌جزیره بود. اشارات هرچند مختصر کلبی به این موارد می‌توانست در برابر اقوام دیگری که تاریخ مشخص و ثبت‌شده‌ای داشتند، این را اثبات کند که عرب‌ها از پیش از ظهور اسلام دارای آداب و رسوم خاص و اقتصاد ویژه‌ی خود بوده‌اند و مهم‌تر این که آن را در حافظه‌ی تاریخی خود حفظ کرده بودند. روایات او در مورد مناصب، مشاغل و سهم قبایل مختلف از بیت‌المال از جمله مسائل اقتصادی هستند که نویسنده آن را به عنوان بخشی از زندگی اقتصادی قوم عرب برجسته ساخته است. همچنین او از فعالیت‌های اقتصادی برخی از قبایل نام می‌برد مانند بنومالک که «به اصحاب نخل معروف هستند در یمامه، هر سال دو بار خرماچینی می‌کردند و پیامبر برای آنان دعا کرد»^۱ در کنار این موارد، او از ثروت‌ها و برخی معاملات زندگی عرب شبه‌جزیره نیز سخن رانده است که برای نمونه می‌توان به سهم افرادی چون حارث بن هانی، ایاس بن شراحیل، قیس بن مسلم از عطایای بیت‌المال یاد کرد.^۲ از جمله مشاغل و مسئولیت‌هایی که کلبی در قسمت‌های مختلف متونش از آن‌ها سخن رانده که به نوعی بازنمایی زندگی اجتماعی گذشته قوم عرب و در راستای بازسازی هویت عرب است، عبارت‌اند از حکمرانی و ولایت،^۳ قضاوت،^۴ خطیب،^۵ فقاهت،^۶ تفسیر،^۷ محدث،^۸

۱. المقتضب من جمهرة النسب، ص. ۲۰۲.

۲. نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۱۴۲، ۱۶۷، ۳۰۵، ۳۰۷ و ...

۳. جمهرة النسب، ص. ۶۰، ۸۰؛ نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۳۹۳، ۲۸۳.

۴. همان، ص. ۱۱۲، ۴۴۷، ۴۹۰، ۵۲۹؛ جمهرة النسب، ص. ۷۸، ۷۹، ۸۱ و ...

۵. نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۱۰۶.

۶. جمهرة النسب، ص. ۸۳؛ نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول و الجزء الثانی، ص. ۱۵۳، ۶۹، ۴۹۹.

۷. ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۱، ۵۲۹.

۸. برای نمونه، نک. نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الثانی، ص. ۵۱۲.

۹. برای نمونه، نک. همان، ص. ۳۱۲.

صاحب شرطه.^۱

۸. نام شاعران، نسابه‌ها و قهرمانان عرب

یکی از راهکارهای دیگری که مؤلف کوشیده به کمک آن به هدف تولید متن یعنی بازآفرینی غرور قومی عرب بپردازد، ذکر نام شاعران، نسابه‌ها، قهرمانان، تیراندازان و سوارکاران در میان شرح انساب قوم عرب است. احتمالاً کلیبی قصد داشته در برابر اقوام دیگری همچون ایرانیان که خاطره قهرمانان و بزرگان قوم خود را حفظ کرده و به آن افتخار می‌کردند، ثابت کند قوم عرب در این زمینه نیز بی‌نصیب نبوده و نمونه‌های فراوانی را در خاطره شفاهی خود حفظ نموده است. نویسنده در میان قهرمانان و شخصیت‌های برجسته به نام شاعران، نسابه‌ها و جنگجویان عرب توجه بیشتری مبذول داشته، زیرا توانایی نژاد عرب در این زمینه‌ها بیشتر بوده است.

در دو متن نسب ابن کلیبی، از میان اسامی فراوان شاعران نژاد عرب می‌توان به نام‌های طرّمّاح بن حکیم،^۲ از میان نسابه‌ها به دَعْفَل بن حَنْظَلَه،^۳ از بین تیراندازان مشهور به عامر بن خضر،^۴ و از جمله سوارکاران به عامر بن مالک، و از میان قوی‌ترین و شجاع‌ترین عرب‌ها به عمر بن حارث^۵ اشاره کرد. نکته قابل توجه دیگر در این مبحث این است که کلیبی در توضیح و اشاره به هر قهرمان حتی در دوره جاهلی، با ذکر شعری، او را برجسته می‌کند.^۶

۱. برای نمونه، نک. نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۳۰.

۲. نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۲۵۳؛ برای دیدن نام شعرای دیگر برای نمونه نک. همان، ص. ۷۸، ۸۱، ۸۳، ۱۰۷، ۱۲۹، ۱۱۸، ۱۴۱؛ و نیز جمهرة النسب، ص. ۳۵، ۶۷، ۷۴، ۲۲۲.

۳. نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۵۷؛ جمهرة النسب، ص. ۵۳۱. برای دیدن نمونه‌های بیشتر نک. همان، ص. ۲۸۱، ۴۱۱، ۵۷۴، ۵۸۰.

۴. جمهرة النسب، ص. ۴۱۱؛ و نیز نک. نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۲۳۹، ۲۸۵؛ المقتضب من جمهرة النسب، ص. ۳۰۰.

۵. جمهرة النسب، ص. ۵۲۷.

6. *Arabic Historical Thought in the Classical Period*, p. 53.

۹. برجسته‌سازی پیروزی‌های عرب بر اقوام دیگر

آنچه به کرات و بارها در متون انساب کلبی دیده می‌شود بیان اسامی اشخاصی است که در جنگ‌های عصر فتوحات شرکت داشته‌اند^۱ و به نظر می‌رسد به قصد برجسته ساختن پیروزی مسلمانان بر دیگر قومیت‌ها روایت شده باشد. در این میان، نبرد قادسیه در جریان فتح عراق و ایران در آثار وی بازتاب شدیدی داشته و جنگی است که هشام بیش از هر جنگ دیگری از آن نام برده است.^۲ دلیل برجسته‌سازی جنگ قادسیه را باید از دو زاویه نگریست. دلیل اول را باید در واکنش و مقابله کلبی به عنوان نماینده عرب‌گرایی در برابر شعوبی‌گری دانست که تلاش دارد با یادآوری پیروزی عرب‌ها بر ایرانیان، حس تفاخر و غرور را در مخاطبان عرب خود برانگیزد. از منظری دیگر، این بزرگ‌نمایی با مبحث تفاخرات قبیله‌ای مرتبط است که احتمالاً شرکت‌کنندگان این جنگ از وابستگان خاندان کلبی و هم‌پیمانان قبیله‌ی آنان بوده‌اند.^۳

نتیجه‌گیری

معرفی و تحلیل انساب‌نوشته‌های ابن کلبی نشان داد که عرب و قومیت عرب موضوع و مسئله‌ی مؤلف است. کوتاه سخن این که هشام کلبی علاقه‌مند به هویت عربی بوده است. بنابراین با نگارش انساب و اشاره به عناصری چون گذشته مشترک تاریخی، پیوندهای مشترک اعتقادی، برگزیده شدن پیامبری از دل قوم عرب، و همچنین سرزمین مشترک، تلاش کرده به تقویت و تداوم هویت عربی بپردازد. همچنین ابن کلبی در قالب انساب با یادآوری حکومت‌های باستانی عرب، پرداختن به اوائل، معمرین، القاب، ضرب‌المثل‌ها، روابط اجتماعی، حلف‌ها و پیمان‌های قبایل، زندگی اجتماعی و اقتصادی، نام شاعران،

۱. برای نمونه به اخبار زیر توجه کنید: «شریک بن سمی در فتح مصر بر مقدمه‌ی سپاه عمرو عاص قرار داشت»؛ «رویف بن سکن در فتح مصر حاضر بود و برای آن برنامه‌ریزی کرد» (نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۳۹۱-۳۹۲).

۲. برای نمونه، «قرط بن جماح در قادسیه حضور داشت» (نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۱۰۶)؛ برای دیدن مصادیق بیشتر نک. همان، ص. ۲۵۸، ۳۲۲، ۳۸۲؛ جمهره النسب، ص. ۴۹۲.

۳. نسب المعد و الیمن الکبیر، الجزء الاول، ص. ۲۳، ۱۰۶، ۹۹، ۲۵۸، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۸۲.

نسابه‌ها و قهرمانان قوم عرب و برجسته‌سازی پیروزی‌های عرب بر اقوام دیگر دست به هویت‌سازی برای قوم عرب می‌زند.

تلاش هشام کلبی برای هویت‌سازی، به شدت متأثر از بافت فکری-فرهنگی معاصر نویسنده است. این کلبی متون انساب‌نگاشته خود را همزمان با دوره تأسیس و تثبیت خلافت عباسی به نگارش درآورد. در این زمان، یکی از مسائل مهمی که عباسیان و مسلمانان با آن روبه‌رو بودند، مسئله کشاکش فرهنگی عرب و عجم و فعالیت‌های وسیع شعوبیه در سرتاسر سرزمین اسلامی بود که هویت عرب را به چالش می‌کشید. در پاسخ به این مسئله، این کلبی از جمله اندیشمندانی بود که از طریق نگارش انساب، دست به هویت‌سازی برای این قوم زد. غلبه بینش دینی و اسلامی او سبب شد این هویت‌سازی رنگ عربی-اسلامی داشته باشد زیرا به ظهور پیامبر (ص) در میان قوم عرب و پیروزی‌های مسلمانان بر دیگر ملل نیز توجه کرده است.

منابع و مآخذ

- آقا بزرگ تهرانی، (۱۴۰۸ ق.)، *الذریعه إلی تصانیف الشیعه*، تهران: کتابخانه اسلامیه.
- ابن عبد ربّه، احمد بن محمد، (۱۴۰۴ ق.)، *العقد الفرید*، تحقیق مفید محمد قمیحه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن الندیم، (بی تا)، *الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، بی جا: بی نا.
- احمدی، حمید، (۱۳۸۲)، «هویت ملی ایرانی در گستره تاریخ»، *مطالعات علمی*، ش. ۱۵، ص. ۴۶-۷.
- بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۸۲)، «شعوبیه و تأثیرات آن در سیاست و ادب ایران و جهان اسلام»، *دین و ارتباطات*، ش. ۱۸-۱۹، ص. ۱۳۵-۱۶۲.
- توکل، محمد، (۱۳۸۷)، «جامعه‌شناسی معرفت و فرهنگ: تنوع یا تغییر نگرش از کلاسیک به جدید»، *نامه علوم/اجتماعی*، ش. ۳۳.
- جاحظ، (۱۳۴۴ ق.)، *ثلاث رسائل الاولی فی الرد علی النصارى التانیه فی ذم اخلاق الکتاب و الثالته فی التیان*، مصحح فنکل یوشع، القاها: المطبعه السلفیه و مکتبها.
- جعفریان، رسول، (۱۳۹۳)، *منابع تاریخ اسلام*، تهران: علم.
- جنابی، کاظم، (۱۳۸۶ ق.)، *تخطیط مدینه الکوفه*، بغداد: مجمع العلمی العراقی.
- حضرتی، حسن، و زینب امیدیان، (۱۳۹۵)، «امحای بت پرستی و بازآفرینی غرور قومی عرب: جستاری در تاریخ‌نگاری هشام کلبی بر پایه‌ی کتاب الاضنام»، *تاریخ اسلام*، س. ۱۷، ش. ۳، ص. ۱۵۳-۱۹۰.
- حموی، یاقوت، (۱۹۸۷)، *المقتضب من کتاب جمهره النسب*، بیروت: دارالعربیه للموسوعات.
- حموی، یاقوت، (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، بیروت: دارصادر.
- حموی، یاقوت، (۱۴۰۰ ق.)، *معجم الأدباء*، ج. ۱۹، بیروت: دارالفکر.
- الدوری، عبدالعزیز، (۱۹۷۸)، *بحث فی نشاه علم التاریخ عند العرب*، بیروت: دارالمشرق.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین، (۱۳۷۸)، *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، تهران: سمت.
- ساسانی، فرهاد، (۱۳۸۹)، *معناکاوی*، تهران: علم.
- سامانی، سید محمود، و اصغر منتظرالقائم، (۱۳۹۰)، «دانش 'نسب‌شناسی' با تکیه بر نقش شیعیان امامی»، *فرهنگ و تمدن اسلامی*، ش. ۳، ص. ۳۷-۶۶.
- سیدان، سید جعفر، و اصغر دوازده امامی مطلق، (۱۳۹۲)، «بینونت خالق و مخلوق با تأکید بر مناظره عمران صابی با امام رضا (ع)»، *سفینه*، ش. ۴۰.

- تقوی، حسین، (۱۳۸۹)، «یهودیان در سرزمین‌های اسلامی»، معرفت/ادیان، ش. ۵.
- صفدی، (۱۴۲۰ ق.)، الوافی بالوفیات، تحقیق أحمد الأرنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: دار احیاء التراث.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله، و سید محمدرضا عالمی، (۱۳۹۰)، «نقش شیعیان در نسب‌نگاری عمومی»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، س. ۴۴، ش. ۲، ص. ۱۰۳-۱۲۱.
- الطریحی، محمدسعید، (۱۳۷۳)، «مخازن قدیمی کتابهای اسلامی در کوفه»، ترجمه سید حسین اسلامی، آینه پژوهش، ش. ۲۹-۳۰، ص. ۲۸-۴۰.
- کلبی، هشام بن محمد، (بی‌تا)، جمهرة النسب، مقدمه سهیل زکار، تحقیق محمد فردوس العظم، دمشق: دارالیقظه العربیه.
- کلبی، هشام بن محمد، (۱۳۸۵)، کتاب الاصنام «تنکیس الاصنام»: تاریخ پرستش عرب پیش از اسلام، ترجمه محمدرضا جلالی نائینی، به تحقیق احمد زکی پاشا، تهران: سخن.
- کلبی، هشام بن محمد، (۱۹۸۸)، نسب المعد و الیمن الکبیر، تحقیق ناجی حسن، بیروت: عالم الکتب.
- گریفیث، سیدنی، (۱۳۸۶)، «کتاب مقدس و پیام محمد (ص) بر اساس دفاعیه‌های مسیحی به زبان‌های غربی و سریانی در اولین قرن زمامداری عباسیان»، ترجمه وحید صفری، هفت آسمان، ش. ۳۴، ص. ۷۳-۱۲۸.
- گلی‌زواره، غلام‌رضا، (۱۳۷۳)، سیمای کوفه، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- لوبون، گوستاو، (۱۳۳۴)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید محمدتقی فخری داعی‌گیلانی، تهران: بنگاه مطبوعات علی‌اکبر اعلمی.
- منتظرالقائم، اصغر، و وحید سعیدی، (۱۳۹۳)، تبیین نقش هشام کلبی در تمدن اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵)، رجال النجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المشرفه.
- Khalidi, Tarif, (1996), *Arabic Historical Thought in the Classical Period*, Cambridge University Press.